

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۱۴ جون ۲۰۱۳

احقاق حقوق زن بدون نقد آموزه های زن ستیز دینی ممکن نیست!

به یقین تعدادی از خوانندگان کنجکاو که روزانه دست کم سری به یکی دو سایت انترنتی می زنند، متوجه شده اند که یک تعداد از نویسندگان روشنفکر نمای ما، با توجه به نوشته های شان، در زمینه قضایا، به مضامین و مسائلی که اکثراً نیاز به بحث و تحلیل بنیادی، همه جانبه و مسؤولانه دارند، با محافظه کاری و سطحی نگری غیرقابل باوری برخورد می کنند.

دلایل این کوتاهی یا اغماض و یا محافظه کاری متعدد هستند، اما عمده ترین دلیل آن محدودیت ها و موضع گیری های به خصوص سایت های انترنتی است که در حال حاضر پربیننده ترین و پرخواننده ترین وسیله نشراتی هستند و از مدت ها جای روزنامه ها و مجلات متعارف و متداول را گرفته اند؛ و نه تنها خوانندگان، که تقریباً تمام نویسندگان هم از روی ناچاری برای نشر نوشته های شان به این منابع نشراتی توسل می جویند، اگرچه چرخه تمام سایت ها بدون مطالب و نوشته های غالباً سیاهه نویسان بی مزد هیچگاهی به چرخش نمی آید.

برخی از قیودی که سایت ها در برابر نویسندگان و نوشته ها وضع می کنند، مانند اجتناب از افترا و تهمت و کلمات رکیک و احترام به حرمت و عفت کلام و قلم و نقد نوشته به جای حمله به نویسنده و رعایت آداب مناظره و از این قبیل سخنان، در اصل و اساس اقدام نیک و به جایی است که باید همه سایت ها در این زمینه بیندیشند و بدان اهتمام کنند، اما محدودیت برای نوشته هایی که بخواهی یا نخواهی به "دین و مذهب" ارتباط می گیرند و نقد آن در واقع نقد دین و مذهب است یا تابو قرار دادن بحث در ارتباط با "استبداد یک امیر" یا ذکر بدون تعدد نارسائی های یک خانواده ای که چندین دهه در کشور حاکمیت نموده اند و آنگونه که باید کار می کردند کار نکرده اند؛ یا نقد اوضاع موجود کشور و ... عملی است بسیار نابجا و نادرست.

چنین موضعگیری ها به هیچ وجه با اصل آزادی بیان و آزادی مطبوعات مطابقت ندارد. به مصداق این سخن که "دو تربوز به یک دست گرفته نمی شود" عرض من این است که: یا این یا آن!!

وضعیت زنان در افغانستان، به آنچه خانم "صالحه و هاب واصل" تماس گرفته اند، به طور مثال، چگونه می شود مورد ارزیابی همه جانبه قرار گیرد، اگر به دین و مذهب که از روز تولد تا مرگ زن بر زندگی وی در جامعه ما سایه انداخته است، پرداخته نشود؟ بسیاری از مشکلات ما از جمله مشکل زن افغان از درون تفکر و تعالیم دینی بر می خیزد. محسنی و مولوی فلان و شیخ بهمان و امثالهم که می خواهند کماکان برای زن قیود و محدودیت های به وجود

بیاورند، تعالیم و اوامر دین و مذهب را مستمسک قرار می دهند. دلایل اینها و دلایل مخالفت ولسی جرگه با قانون منع خشونت علیه زنان همه برخاسته از امر و نهی های دین هستند.

با همه لفاظی های دکانداران دین، واقعیت این است، که زن را در جامعه ما، مانند بسیاری از جوامع دیگری که دینداران در آن ها حاکم یا مسلط اند، دین و مذهب از بسیاری حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی محروم ساخته است. علت اساسی و اولیه دوری زن از ساحت کار و عمل اجتماعی ریشه در تفکرات دینی و مذهبی دارد. سبب اصلی محرومیت های زنان ما از خیلی از آزادی های بنیادی و مدنی - حقوقی - اجتماعی - سیاسی اندیشه های دینی هستند که نگهبانان دین بنیادگرا آن ها را به بهانه ترویج بی دینی بر زنان کشور ما تحمیل می کنند.

مسیحیان - و به تبع آن مسلمانان، چون مسلمانان کتاب ها و پیامبرانی را که قبل از اسلام آمده بودند قبول دارند و تعداد قابل ملاحظه تعالیم قرآن همان تعالیم مندرج در انجیل و تورات است - بر اساس آنچه در انجیل آمده است به این اعتقاد اند که ... سر زن مرد است و سر مرد خدا... مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد آفریده شده است... زن را اجازه ای تعلیم و تعلم نیست... زن باید در نادانی باقی بماند ... زن نباید بر شوهر خویش مسلط شود ... زن باید در برابر شوهر خویش همیشه در سکوت بماند. چرا؟ چون در نادانستگی به سر می برد ... چون حوا از قبرغه آدم و بعد از آدم ساخته شده است... چون همه گرفتاری های مرد به علت تقصیر زن است... این زن بود که هم خود فریب شیطان را خورد و هم سبب فریب خوردن آدم و خروج وی از بهشت شد...

"ای زنان، شوهران خود را اطاعت کنید چنانچه خداوند را. زیرا که شوهر سر زن است، چنانچه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده بدن است. (۲۲ و ۲۳ افسسیان)"

در دین ما هم زن، باوجود پیشرفت های چشمگیر در تحصیل و کار های ذهنی و عملی، از نظر عقل ناقص پنداشته می شود و به نسبت مرد در مرتبه دوم قرار دارد. زن نباید در اموری چون قضاوت و حکومت و مقامات اجتماعی شرکت داشته باشد و باید در خانه بماند و بچه بزاید و خانه داری کند و حکم شوهر را همچون حکم خدا اطاعت کند - اگر بعد از خدا سجده بر زن روا می بود، زن باید شوهرش را سجده می کرد. تعدد زوجات، برابری دو زن در شهادت با یک مرد، نابرابری ارث زن نسبت به ارث مرد، نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد، حق طلاق، نوع لباس و ... به این گفته های یکی از پیشوایان بزرگ دین توجه کنید:

۱- دلیل این که شهادت دو تن از زن ها معادل شهادت یک مرد است، کمی بهره زنان از عقل است.

۲- از زنان بد باید پرهیز کرد و از خوبان آنها بر حذر بود و حتی در معروف هم از آنها اطاعت نکرد.

۳- بهترین خو های زنان بدترین خو های مردان است که تکبر و ترس و بخل باشد.

۴- جهاد زن خوشرفتاری با شوهر و اطاعت از اوست.

۵- ای مردم ، زن ها از ایمان و ارث و خرد کم بهره هستند. و... و... و...

با توجه به آنچه گفته شد، آیا ممکن است که زن افغان بدون نقد از خرافه های زن ستیزانه دین به آزادی و حقوق بنیادی خود و برابری با مرد دست پیدا کند؟

اولین ادعای تقریباً تمام سایت ها این است که هدف ما کار فرهنگی و روشنگری و دادن رهنمود های سازنده و سودمند و متجددانه به مردم است. آیا کار فرهنگی و روشنگری و دادن رهنمود های متجددانه و سودمند و سازنده و انسانی به مردم با بستن زبان قلم نویسندگان مبارز و سنت شکن و تابو قرار دادن چیزی که از روز پیدایش فرد انسان های وطن ما - آذان دادن در گوش اطفال - تا روز فاتحه و چهل و سال آن ها بر همه شئون زندگی شان اثر مستقیم و غیرقابل انکار می گذارد، ممکن است؟ نویسنده این سطور با تأسف چنین فکر نمی کند؛ بلکه فکر می کند که زن وقتی آزاد می شود که هر آنچه را که سبب بندگی و بردگی و سلب آزادی و احترام و اتلاف حقوق لازم وی در جامعه شده است،

مورد نقد قرار بدهیم و علیه هر گونه اجحاف در حق زن با شجاعت و شهامت با قلم و قدم مبارزه کنیم و بگوئیم هر آنچه را که نیاز به گفتن دارد. هرتلاش دیگری به باد دادن کاه بیدانه ای است با شاخی ریأ و تفنن و خود را بر سر زبان ها انداختن!

نگارنده با دین و دینخوئی در جامعه مخالفتی ندارد. مردم حق دارند هر اعتقادی را که درست تر می دانند اختیار کنند. مادرم که مرد من مقداری پول برای مراسم ختم وی به افغانستان فرستادم. در رأس کسانی که این فاتحه را برگذار کردند دو تا ملا قرار داشت که آیات قرآن را تلاوت می کردند. اما دینی که در نظر و عمل زنده و سازنده و پیشرونده باشد، نه دین و تفسیر دینی که سد را زندگی مرفه مردم، به خصوص سد راه زندگی آبرومندانۀ زن، گردد. دین را باید از نو تفسیر کرد!!

در کشور ما قرن ها زن اجازه فراگیری دانش را نداشت و همین اکنون هم گروه هائی هستند که مانع فراگیری دانش زنان هستند و هزار ها مکتب را به آتش کشیده اند و هنوز هم به آتش می کشند، در حالی که خدای همین مسلمانان مکتب سوز و زن ستیز می گوید: "اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ .. ای رسول بخوان به نام پروردگارت که تو را خلق کرد... بخوان و پروردگار تو که بهترین کریمان است. آن خدائی که به انسان علم نوشتن به قلم آموخت و به بشر آنچه را نمی دانست تعلیم داد.

مگر زن انسان و بشر نیست؟ مگر این علم نوشتن به قلم و آموختن و تعلیم دیدن اگر زن از آن استفاده نکند، برای چیست و به چه دردی زن می خورد؟

۲۰۱۳/۰۵/۰۷